

پژوهشهای حقوقی

فصلنامه علمی - ترویجی

شماره ۳۵

هزار و سیصد و نود و هفت - پاییز

۷	• توسعه نسل‌های حقوق بشر در تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری حسین یزدانی - دکتر حسین آل کجیاف - دکتر سید قاسم زمانی - دکتر حسن سواری
۳۳	• انتقال مالکیت و اجاره اشیاء فضایی موجود در مدار در پرتو حقوق بین‌الملل فضایی حسنا خالوندی - دکتر سید هادی محمودی
۵۵	• ارتباط حق بر غذا و سیاست‌های تجارت جهانی کشاورزی: تعامل یا تقابل؟ دکتر فرهاد طلایی - علی رزم‌خواه
۸۳	• تحلیل حقوقی - اقتصادی ماده ۲۱ قانون بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵ دکتر فیصل عامری - مسلم حاج‌محمدی
۱۱۳	• دگردیسی مفهوم نظریه تفکیک قوا به مفهومی کارکردی دکتر محمدرضا ویژه - زهره‌سادات امیرآفتابی
۱۴۵	• برابری و عدم تبعیض در نظام حقوق بشر علی سالاری
۱۷۱	• اعتراض ثالث به رأی ورشکستگی در آیینۀ روبه قضایی دکتر نعمت‌اله حاجعلی - ابوذر کوهنورد
۱۹۹	• ترور هدفمند: نقض اصل عدم تقابل در تعهدات بنیادین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه دکتر هاله حسینی اکبرنژاد - دکتر حوریه حسینی اکبرنژاد
۲۴۳	• گسترۀ مسئولیت محقق در برابر خسارات زیست‌محیطی ناشی از تحقیقات دانشگاهی کوثر فیروزپور
۲۶۳	• راهکارهای برون‌رفت از بن‌بست‌های مذاکراتی و حل تعارض مسائل نفتی دکتر محمد علیخانی
۲۸۷	• تأثیر فقه اسلامی در شکل‌گیری حقوق کامن‌لا برهام محمد عطاءالله - ترجمه: حمزه امینی‌نسب





گستره مسئولیت محقق در برابر خسارات زیست‌محیطی ناشی از تحقیقات دانشگاهی

کوثر فیروزپور*

چکیده:

حق بر محیط زیست و حق بر تحقیق از حقوق بشر به شمار می‌روند که باید مورد حمایت قرار گیرند. حقوق افراد برای برخورداری از محیط زیست سالم جزئی از حقوق بشر است که به طور روزافزون از سوی فعالیت‌های انسانی مورد تهدید قرار می‌گیرد. این حق نه تنها از مصادیق برجسته حقوق همبستگی بلکه لازمه تحقق بسیاری از حق‌های بشری است. ایفای این حق مستلزم سطحی از توسعه است که خود زمینه تخریب بیشتر محیط زیست را فراهم می‌آورد. از این رو فعالیت‌های محققین دانشگاهی در مسیر پیشرفت و توسعه می‌تواند زمینه‌ساز بروز خسارات زیست‌محیطی گردد. این نوشته به بحث درباره زمانی می‌پردازد که محقق در انجام تحقیقات دانشگاهی، خساراتی وارد می‌آورد و لزوم جبران خسارت و نیز حمایت از محقق در انجام تحقیقاتش، این دو حق را در تعارض با یکدیگر قرار می‌دهد؛ بنابراین باید به دنبال شیوه‌ای از جبران خسارت بود که حمایت هم‌زمان از این دو حق را ممکن سازد. از آنجا که طبق اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم و اصل ۲ اعلامیه ریو دولت‌ها مسئول‌اند که فعالیت‌های تحت صلاحیت آنها منجر به خسارات زیست‌محیطی نشود. نقش کلیدی دولت‌ها برای حل این تعارض و کمک به ارتقای تحقیقات دانشگاهی و کاهش خسارات و تلاش برای پیشگیری از بروز این نوع خسارات، بارز است.

در این مقاله بر آنیم تا با بررسی مبانی حقوق بشری حق بر تحقیق و حق بر محیط زیست در راستای رفع این تعارض تلاش کنیم و به بررسی رویکرد حقوقی ایران در این باره بپردازیم.

کلیدواژه‌ها:

حق بر محیط زیست، حق بر تحقیق، مسئولیت مدنی، حقوق ایران.

مقدمه

همان‌طور که در مقدمه اعلامیه استکهلم بیان شد، انسان مخلوق و شکل‌دهنده محیط زیست خود است. محیطی که به وی بقای فیزیکی، فرصت رشد معنوی (اخلاقی، اجتماعی و روحی) اعطاء می‌کند. در تکامل طولانی و آکنده از رنج نژاد بشر در این سیاره خاکی، مرحله‌ای فرارسیده است که در آن انسان قدرت تغییر شکل محیط زیست خود را از طریق سرعت زیاد علوم و تکنولوژی، به طریقی بی‌شمار و به مقیاسی غیرقابل‌پیش‌بینی به دست آورده است. این روند ناشی از شناسایی حق بر تحقیق است که جنبه‌های مختلفی دارد و حمایت از آن دارای ابعاد گوناگونی است.^۱ یکی از این ابعاد حمایتی که به آن کمتر پرداخته شده، حمایت از محقق در برابر خساراتی است که ممکن است در نتیجه تحقیقات او به وجود آید. این حمایت به تشویق محقق به پرداختن به عملیات پژوهشی و تحقیقاتی منجر می‌شود که در اسناد بین‌المللی مانند میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و همچنین در عالی‌ترین سند حقوق داخلی ایران یعنی قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته است. از سوی دیگر این خسارات ممکن است به محیط زیست وارد شوند که خود از حقوق اساسی بشر به شمار می‌رود و بستر توسعه پایدار ملت‌هاست.^۲ برای حفاظت از محیط زیست مسئولیت مدنی و کیفری شناخته شده است و دولت‌ها موظف گشته‌اند تا از محیط زیست قلمرو حاکمیتشان حفاظت کنند؛ بنابراین حق بر تحقیق در تعارض با حق بر محیط زیست قرار می‌گیرد. از سویی محقق باید در تحقیقاتش مورد حمایت قرار گیرد و از سوی دیگر خسارتی که در نتیجه این تحقیقات به وجود می‌آید باید جبران شود. پیداست که یافتن راهی برای حل این تعارض ضروری است تا هر دو حق ذکر شده مورد حمایت قرار گیرند. گرچه به حق بر محیط زیست بیشتر پرداخته شده و مهم‌تر دانسته می‌شود اما این مسئله سبب نمی‌شود تا حق بر تحقیق

۱. یکی از ابعادی که بیشتر به آن پرداخته شده حق مالکیت فکری است که بین محقق و نتیجه تحقیقش رابطه

مالکیت فرض می‌کند و در قالب حق کپی از این رابطه حمایت می‌کند. برای مطالعه بیشتر رک:

“What is Intellectual Property?,” WIPO, Accessed 20/10/2014, <http://www.wipo.int/about-ip/en>.

2. “Rio Declaration on Environment and Development 1992,” United Nations, Accessed 12/05/2015, <http://www.un.org/documents/ga/conf151/aconf15126-1annex1.htm>

فدای آن شود و از محققان حمایت کافی به عمل نیاید. در این میان باید دولت را موظف دانست تا شیوه مناسبی برای حمایت دوجانبه اتخاذ کند.

بنابراین در این مقاله به دنبال پاسخ به سه سؤال هستیم: یک) مبانی نظری حمایت از حق بر تحقیق و حق بر محیط زیست کدامند؟ دو) حل تعارض این دو حق چگونه ممکن است؟ سه) در حقوق ایران چه مبنایی برای حمایت از این حقوق و حل تعارض آنها وجود دارد؟ در پاسخ به این سؤالات سه فرضیه مطرح می‌شود: یک) حق بر تحقیق در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و حق بر محیط زیست در هر سه نسل حقوق بشر و به خصوص در اسناد نسل سوم حقوق بشر مانند اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲ مورد حمایت قرار گرفته‌اند؛ دو) اصل بر مسئولیت دولت برای جبران خسارات وارده است و اثبات مسئولیت محقق در صورت تقصیر امکان‌پذیر است؛ سه) قانون اساسی ایران از حق بر تحقیق و حق بر محیط زیست حمایت می‌کند اما فرض مسئولیت برای دولت تنها در صورتی ممکن است که محقق با دولت رابطه استخدامی داشته باشد و خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و مؤسسات دولتی باشد.

این مقاله به مسئولیت مدنی محقق می‌پردازد که در نتیجه خسارات وارده به محیط زیست ناشی از انجام تحقیقات دانشگاهی به وجود می‌آید. شمار زیادی از تحقیقات علمی از سوی دانشگاه‌ها انجام می‌شود که در عین سودمند بودن برای جامعه، ممکن است خساراتی وارد آورند که بعضاً زیست‌محیطی هستند. دانشگاه به عنوان نهادی دولتی می‌تواند واسطه‌ای باشد برای انتساب مسئولیت محقق به دولت و به این وسیله از محیط زیست هم حمایت مادی بهتری به عمل می‌آید. همچنین در این نوشته مسئله مسئولیت زیست‌محیطی محقق را در ایران بررسی می‌کنیم و به راهکارهای قانونی برای حمایت توأمان از انجام تحقیقات علمی و نیز محیط زیست می‌پردازیم.

حق بر محیط زیست در ادبیات حقوقی ایران مفصلاً پرداخته شده است و مسئولیت دولت و اشخاص به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است اما درباره حق بر تحقیق از جنبه حمایت از محقق در قبال خساراتی که وارد می‌آورد، اعم از خسارات زیست‌محیطی و سایر خسارات، تاکنون بحث نشده است. در این مقاله درباره تعارضی صحبت شده که قبل از این مورد توجه کافی نبوده است و حق بر تحقیق از این جهت که می‌تواند با خسارت زدن به محیط زیست، حقوق زیست‌محیطی افراد را مورد تعرض قرار دهد مورد مطالعه قرار گرفته و تلاش شده راه‌حلی برای جمع این دو حق صورت گیرد.

۱- مبنای حقوق بشری

موضوع مقاله مستقیماً با دو حق از حقوق بشر به رسمیت شناخته شده توسط اسناد بین‌المللی، در ارتباط است: اول حق بر تحقیق و دوم حق بر محیط زیست. این دو حق در موضوع مورد بحث متعارض یکدیگر هستند. از یک سو محقق سزاوار حمایت در جهت تسهیل فرایند تحقیق است و از سوی دیگر امکان آسیب به محیط زیست در حین تحقیق وجود دارد و باید روش مناسبی برای جبران خسارت و از آن مهم‌تر پیشگیری از ورود خسارت و هم‌زمان حمایت از حق بر تحقیق مورد استفاده قرار گیرد. برای یافتن چنین شیوه‌ای ابتدا مبانی این دو حق را بررسی می‌کنیم و بعد به چگونگی جبران خسارت و حل تعارض در حمایت از این دو حق می‌پردازیم.

۱-۱- حق بر تحقیق

این حق را می‌توان از بند ۳ ماده ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برداشت کرد. این ماده اعلام می‌دارد: «دولت‌های طرف این میثاق آزادی ضروری برای تحقیقات علمی و فعالیت‌های خلاقانه را محترم می‌شمارند». بنابراین دولت‌های عضو این میثاق مکلف به فراهم کردن آزادی لازم برای انجام تحقیقات هستند. ممکن است گفته شود آنچه از بند ۳ ماده ۱۵ میثاق استنباط می‌شود صرف ایجاد آزادی برای تحقیق است که می‌تواند با عدم مداخله یا ترک فعل از سوی دولت صورت گیرد اما همین که حق بر تحقیق به رسمیت شناخته شود، دولت‌ها مکلف به فراهم کردن بستر مناسب برای انجام تحقیقات علمی خواهند بود. زیرا تأمین این حقوق مستلزم عدم مداخله دولت در امر آزادی تحقیقات علمی و در عین حال نیازمند مداخله ایجابی دولت برای تأمین امکانات و نظارت در جهت پیشرفت می‌باشد. حق بر تحقیق را می‌توان زیرمجموعه حق بر آموزش دانست چنان‌که ماده ۱۵ میثاق اساساً به حق بر آموزش می‌پردازد.

حق بر آموزش در بسیاری از اسناد بین‌المللی^۳ حقوق بشری مورد تأکید قرار گرفته است اما به حق بر تحقیق و آزادی انجام تحقیق تنها در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صراحتاً اشاره شده است.

۳. اسنادی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر (ماده ۲۶)، کنوانسیون یونسکو بر ضد تبعیض در آموزش (ماده ۱)، کنوانسیون درباره رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان (ماده ۱۰)، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (ماده ۲ پروتکل اول) و ...

آنچه مسلم است اینکه حق بر تحقیق از حقوق فرهنگی بشر است و علی‌رغم آنکه گفته می‌شود از حقوق بنیادین بشر نیست^۴ تحت لوای حق بر آموزش سزاوار توجه ویژه خواهد بود. در تعریف این حق می‌توان گفت: «تحقیق نامی خاص برای یک توانایی عام است و این توانایی عبارت است از تبدیل یافته‌های منظم به آنچه نیاز داریم بدانیم ولی هنوز نمی‌دانیم و حق بر تحقیق حق بر این عمل است.»^۵

این تعریف مانع نیست و هر نوع آگاهی و دانشی را که برای رسیدن به دانستنی‌های مورد نیاز - اعم از علمی و غیرعلمی - در خود می‌گنجاند. گرچه در این مقاله صرفاً تحقیقات علمی که در رابطه با محیط آکادمیک هستند مورد نظرند اما این عدم ممانعت از ورود اغیار را می‌توان نقطه قوت تعریف دانست چراکه تحقیق را به عملیات در حوزه علوم تجربی محدود نمی‌کند و تفسیر موسع از قوانین حمایتی کاملاً موجه است. با این تفسیر همه شهروندان در مورد آنچه که به تشخیص خود ضروری می‌بینند، حق تحقیق دارند.

در حقوق داخلی، قانون اساسی ما در بند ۴ اصل سوم، دولت را موظف می‌کند تا همه امکانات خود را (برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم) در امر «تقویت روح بررسی، تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان» به کار گیرد.

این امر برخلاف اسناد بین‌المللی، در قانون اساسی کاملاً صراحت دارد. از جمله امکاناتی که دولت باید برای تقویت روحیه تحقیق به کار گیرد، امکانات مالی است که امکان جبران خسارت محقق در مقام تحقیق را فراهم می‌آورد. پیش‌بینی چنین امکاناتی قطعاً به تشویق محققان منجر خواهد شد.

بنابراین حق بر تحقیق هم در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و هم در عالی‌ترین سند حقوق داخلی ایران به رسمیت شناخته شده است. این حمایت دوجانبه داخلی و بین‌المللی، دولت را مکلف به حمایت از محققان می‌کند که می‌تواند منجر به برداشتن بار مسئولیت مدنی از دوش محققان شود.

4. Mark B. Brown and David H. Guston, "Science, Democracy and the Right to Research," *Science and Engineering Ethics* 15 (2009): 356.

5. Arjun Appadurai, "Right to Research," *Globalisation, Societies and Education* 4 (2006): 167.

۱-۲- حق بر محیط زیست

حق بر محیط زیست سالم در سه نسل حقوق بشر به نحوی وجود دارد. در حقوق سیاسی و مدنی این حق نتیجه قهری و غیرقابل اغماض حقوق اساسی و بنیادین بشر شناخته شده است. حق بر وجود و هستی، حق بر تنفس، حق زیستن و زندگی از حقوقی هستند که در بستر زیست‌محیطی حاصل می‌شوند.

حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بشر نیز مانند نسل اول این حقوق دارای ابعاد زیست‌محیطی هستند. حق بهداشت و حق کار در محیط مناسب و بهداشتی از جمله حقوقی از نسل دوم حقوق بشر هستند که در آنها محیط زیست نقش مهمی دارد.

با توجه به این دو میثاق، حق بر محیط زیست به عنوان حقی فرع بر حقوق دیگر انسان تلقی می‌شود. این مسئله دارای نکات قوت و ضعف است. قوت آن در این است که حق بشر بر محیط زیست سالم خود یکی از لوازم اساسی یا آثار اصلی حقوق نسل اول و دوم تلقی خواهد شد و به این ترتیب از ویژگی‌های منحصر به این دو نسل (مانند غیرقابل تعلیق بودن در نسل اول و قابل مطالبه بودن از دولت در نسل دوم) برخوردار خواهد شد؛ اما ضعف آن از این جهت خواهد بود که این حق از استقلال برخوردار نخواهد بود و به عنوان لوازم یا آثار حقوق نسل اول و دوم شناخته خواهد شد.^۶

اما نسل سوم حقوق بشر، حق بر محیط زیست سالم را به عنوان حقی مستقل شناسایی کرد. نقطه آغاز شناسایی این حق را باید اعلامیه کنفرانس ملل متحد درباره محیط زیست یا اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲ دانست.^۷ اصل اول این اعلامیه، حق انسان بر محیط زیست سالم را این‌گونه بیان می‌کند:

«انسان از حقوقی بنیادین نسبت به آزادی، مساوات و شرایط رضایت‌بخش زندگی در محیطی که به او اجازه زندگی باوقار و سعادت‌مندانه را می‌دهد برخوردار است و مسئولیت حفظ و بهبود محیط زیست برای نسل حاضر و نسل‌های آینده را برعهده دارد...»

این اصل به طور ضمنی بیانگر آزادی فعالیت‌های انسان است که می‌تواند شامل آزادی در تحقیقات دانشگاهی محقق نیز باشد و در عین حال بیانگر مسئولیت فرد در حین این

۶ محمدحسن حبیبی، «حق برخورداری از محیط زیست سالم به عنوان حق بشریت»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران* ۶۰ (۱۳۸۱)، ۱۴۴.

7. Carolin Dommen and Philippe Cullet. *Droit International de l'environnement* (London: Kluwer Law International, 1998), 3-4.

تحقیقات است به نحوی که ضامن حفاظت از محیط زیست باشد. در اعلامیه ریو نیز به حق بر توسعه و ضرورت ادغام حفاظت از محیط زیست با روند توسعه اشاره شده است. بدیهی است توسعه کشور در گرو نیروی انسانی متخصص می‌باشد که پیدایش آن ناشی از افزایش تحقیقات علمی و پژوهشی است.

آنچه از این اصل استنباط می‌شود این است که هنوز حق بر محیط زیست به عنوان بستر و زمینه‌ای برای تمتع بشر از حقوق دیگرش - مانند حق بر زندگی در این اصل - شناخته می‌شده است؛ اما در سال ۱۹۸۲ پیش‌نویس میثاق بین‌المللی حقوق همبستگی، حق بر محیط زیست را مستقلاً مورد شناسایی قرار داد. در مقدمه این پیش‌نویس آمده است:

«از این پس صلح، توسعه، محیط زیست و میراث مشترک بشریت ارزش‌های جهانی هستند که مورد شناسایی کلیه انسان‌ها، اقوام و ملت‌ها قرار گرفته‌اند. شایسته است حقوق مربوط به آنها به عنوان حقوق بشری مورد شناسایی و حمایت قرار گرفته و محقق شوند.»

از این زمان به بعد، اسناد بین‌المللی دیگری در ارتباط با حق بشر بر محیط زیست تدوین شدند از جمله: منشور جهانی طبیعت ۱۹۸۲، منشور آفریقایی حقوق بشر و اقوام، پروتکل ۱۹۸۸ سن سالوادور و اعلامیه ۱۹۹۲ ریو.^۸

حال که با تعلق حق بر محیط زیست سالم به خانواده حقوق بشر آشنا شدیم به مفهوم خسارت زیست‌محیطی می‌پردازیم. در مقدمه ذکر شد که محققین و نویسندگان در این زمینه اتفاق دارند که ارائه تعریف از مفهوم محیط زیست اگر غیرممکن نباشد، بسیار مشکل است؛^۹ اما ضروری است که برای شناختن حدودی که پیشروی از آن موجبات مسئولیت را فراهم می‌آورد، تعریفی از مفهوم محیط زیست صورت گیرد. برای ارائه تعریفی قابل قبول می‌توان محیط زیست را به دو بخش محیط زیست انسانی و محیط زیست طبیعی تقسیم کرد و برای هر کدام تعریفی ارائه داد:

«محیط زیست انسانی یا محیط زیست انسان‌ساخت به آن بخش از محیط زیست اطلاق می‌گردد که به دست بشر ساخته شده و زاینده تفکر او می‌باشد.»^{۱۰}

8. African Charter on Human and Peoples Right 1981, General Assembly Res.37/7, Protocol of San Salvador, Rio Declaration on Environment and Development 1992.

۹. گروه صلح کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو دانشگاه شهید بهشتی، حقوق زیست‌محیطی بشر (تهران: دادگستر، ۱۳۸۹)، ۳۵.

۱۰. مهدی فیروزی، حق بر محیط زیست (تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۴)، ۱۷.

«محیط زیست طبیعی به آن بخش از محیط زیست اطلاق می‌گردد که در تشکیل آن بشر نقشی نداشته، بلکه از موهبت‌های خدادادی است و شامل جنگل‌ها، مراتع، کوه‌ها، دشت‌ها، رودخانه‌ها، دریاها، باتلاق‌ها، چشم‌اندازها و ... می‌گردد. عوامل تشکیل‌دهنده محیط زیست طبیعی شامل عوامل جاندار (گیاهان و جانوران) و عوامل بی‌جان (خاک، آب و هوا) می‌گردد.»^{۱۱}

اما برای تعریفی کارکردی که متضمن رابطه انسان و محیطش باشد می‌توان به این صورت جمع‌بندی کرد:

«محیط زیست به تمام محیطی اطلاق می‌شود که انسان به طور مستقیم و غیرمستقیم به آن وابسته است و زندگی و فعالیت‌های او در ارتباط با آن قرار دارد.»^{۱۲}

در تعریف خسارت زیست‌محیطی دو رویکرد وجود دارد. رویکرد اول این نوع خسارت را با دید انسان‌محور می‌نگرد و خسارت زیست‌محیطی را منشأ ورود ضرر به انسان می‌داند. از این منظر می‌توان به این تعریف اشاره کرد: «خسارت زیست‌محیطی عبارت است از خسارتی که به اشخاص یا اشیای محیط پیرامون زندگی انسان وارد می‌شود.»^{۱۳}

می‌بینیم که بنا بر این تعریف انسان قربانی خسارت است و نه محیط زیست و محیط منشأ ورود خسارت است. در مقابل این رویکرد خودخواهانه، رویکردی وجود دارد که خود محیط زیست را قربانی خسارت می‌داند: «خسارتی که به طور مستقیم به محیط پیرامون وارد می‌شود بدون توجه به بازتاب‌هایی که این خسارت‌ها بر اموال و اشیاء دارند.»^{۱۴}

این تعریف رویکرد محیط‌دوستانه‌تری دارد اما ایرادی دارد و آن این است که محیط پیرامون همان محیط زیست است که گفته شد ارائه تعریف برای آن بسیار دشوار است. برای اجتناب از ارائه چنین تعریفی می‌توان محیط را به صورت مصداقی روشن نمود. اصل دوم اعلامیه ۱۹۷۲ استکهلم این مصداقی را به دست می‌دهد. طبق این ماده: «منابع طبیعی زمین شامل هوا، آب، خاک، گیاهان و جانوران و مخصوصاً نمونه‌های مشخص اکوسیستم‌های

۱۱. همان.

۱۲. قوام میرعظیم، *حمایت کیفری از محیط زیست* (تهران: انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۷۵)، ۳.

۱۳. ناصر کاتوزیان و مهدی انصاری، «مسئولیت ناشی از خسارت‌های زیست‌محیطی»، *فصلنامه حقوق دانشکده*

حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران ۳۸ (۱۳۸۷)، ۲۹۶-۲۹۵.

۱۴. همان.

طبیعی باید برای استفاده نسل‌های کنونی و آینده با برنامه‌ریزی دقیق و مدیریت مناسب محافظت شوند.»

بنابراین بدون نیاز به ارائه تعریف از محیط زیست، مصادیق ذکرشده در این اصل را موضوع ورود خسارت در نظر می‌گیریم. این تبیین مصادیقی علاوه‌بر روشن ساختن موضوع مورد نظر، مفهوم محیط زیست را محدود نمی‌کند و منحصر به این موارد نیست و اینها تمثیلی هستند؛ بنابراین هرکجا حمایت از محیط زیست اقتضاء کند می‌توان مصداق جدیدی برای ورود خسارت زیست‌محیطی در نظر گرفت.

بنابراین خسارتی که متوجه منابع طبیعی زمین شامل (و نه محدود به) هوا، آب، خاک، گیاهان و جانوران و نمونه‌های مشخص اکوسیستم‌های طبیعی شود صرف‌نظر از تأثیر آن بر انسان و اموال او، خسارت زیست‌محیطی محسوب می‌شود.

نگاه اقتصادی به حق بر تحقیق نیز گویای این مسئله است که ایجاد امکانات مناسب برای انجام تحقیقات برای محقق از جبران بعدی خسارات واردآمده که می‌تواند تا حدود زیادی ناشی از استفاده از تجهیزات نامناسب باشد، اهمیت و نیز صرفه بیشتری دارد.

بنابراین می‌بینیم که تحلیل اقتصادی مسئله جبران خسارات زیست‌محیطی ناشی از تحقیقات دانشگاهی همان نتیجه‌ای را دربر دارد که رویکرد حقوق بشری به این قضیه حاصل کرد و آن است که دولت شخص مناسب‌تری برای جبران خسارت و مسئول شناخته شدن است.

۲- رفع تعارض دو حق

معاهده لایه ازن مونترال^{۱۵} و معاهده تغییرات آب و هوا که در ریو^{۱۶} به امضاء رسید، هر دو بر لزوم ایجاد رابطه و تفاهمی نزدیک‌تر میان جامعه علمی تکنولوژی و سیاست‌گذاران تأکید نمودند. بر اعضای جامعه، مسئولیت تازه‌ای نسبت به حصول توسعه پایدار محول شده و ایشان مسئولیت نوینی در برابر مردم دارند که موظفشان می‌دارد تا آرمان‌های حرفه‌والای خویش را محترم دارند. حصول توافق میان دانشمندان در مورد اخلاق حرفه‌ای و پذیرش آن توسط مردم، راه را بر نظارت بهتر بر ایفای مسئولیت اینان در مقابل مردم خواهد گشود. با لزوم مسئولیت محقق در رابطه با خسارت‌های زیست‌محیطی که در مقام انجام تحقیقات

۱۵. پروتکل مونترال، ۱۶ سپتامبر ۱۹۸۷.

۱۶. معاهده تغییرات آب و هوا، ریو، ۱۹۹۲.

دانشگاهی وارد می‌آورد اولین نوع مسئولیتی که به ذهن می‌رسد مسئولیت مدنی اوست؛ یعنی خود محقق که واردکننده آسیب است جبران خسارت را برعهده داشته باشد؛ اما دیدیم که از جنبه حقوق بشری و نیز از منظر اقتصادی دولت جبران‌کننده بهتری به شمار می‌رود. بنابراین ما به مبنایی نیاز داریم تا مسئولیت را از محقق به دولت واگذار کنیم. این مسئله با مسئولیت بین‌المللی دولت نیز هم‌خوانی دارد چراکه در حقوق بین‌الملل محیط زیست دولت مسئولیت خسارات واردآمده به وسیله افراد تحت صلاحیت یا کنترل خود را نیز برعهده دارد. با مسئول فرض کردن دولت از قواعد سنتی مسئولیت مدنی به قواعد مسئولیت در حقوق بین‌الملل عمومی می‌رسیم که هم در مبنا و هم در هدف با یکدیگر متفاوت هستند.

هدف مسئولیت مدنی در حقوق خصوصی جبران خسارت اشخاص حقوق خصوصی است که با توجه به تعریفی که از خسارت زیست‌محیطی ارائه شد و رویکرد این تعریف، خسارات زیست‌محیطی عدیده‌ای با این نظام قابل مطالبه نخواهند بود. چراکه تنها در صورتی که این خسارات منافع اشخاص را تحت تأثیر قرار دهد و زیان مستقیمی به آنها وارد کند ضرر محسوب می‌شوند؛ اما هدف مسئولیت در حقوق عمومی حفظ منافع جامعه و حمایت از موضوعات حقوق عمومی است. این هدفی است که به پیشگیری نسبت به جبران اهمیت بیشتری می‌دهد و این مطابق با هدف حقوق محیط زیست نیز است.

به لحاظ مبنا، مسئولیت در حقوق عمومی اصل بر مسئولیت محض است اما در قواعد مسئولیت مدنی سنتی مبنای مسئولیت در بیشتر کشورها تقصیر یا ترکیبی از تقصیر و مسئولیت محض است. یکی از دشواری‌های مطالبه خسارت زیست‌محیطی اثبات رابطه سببیت است که با مسئولیت دولت این مشکل برطرف می‌شود و اصل بر مسئولیت خواهد بود.^{۱۷}

حال باید دید برای رفع تعارض موجود بین حق بر تحقیق برای افراد جامعه و حق بر محیط زیست آنها چه راه‌حلی منطقی‌تر خواهد بود. می‌توان چهار فرض در نظر گرفت:

یک) محقق مطلقاً مسئولیت دارد؛

دو) دولت مطلقاً مسئولیت دارد؛

سه) اصل بر مسئولیت محقق است مگر خلافش اثبات شود؛

چهار) اصل بر مسئولیت دولت است مگر خلافش اثبات شود؛

خسارتی که در این نوشته مورد نظر است خسارتی است زیست‌محیطی که در نتیجه تحقیقات دانشگاهی وارد شده است. می‌بینیم که محقق وابستگی سازمانی دارد و از طرف دانشگاه عمل می‌کند. شایان ذکر است که محقق اصولاً به دنبال هدف انتفاعی نیست و عملی که از او سر می‌زند و منجر به ورود خسارت می‌شود عملی است که جامعه از آن منتفع می‌گردد. وابستگی محقق به دانشگاه راه را برای انتساب مسئولیت او باز می‌کند. در حقوق اداری به تفصیل از نظریاتی که جبران خسارت ناشی از عمل کارکنان دولت را به دولت می‌سپارد بحث شده است. نظریاتی مثل نظریه مسئولیت مستقیم دولت یا نظریه تساوی شهروندان در برابر هزینه‌های عمومی توجیه‌کننده این مسئله هستند.^{۱۸}

اما هر کدام از این فروض آثار و تبعات خاص خود را دارند. اگر محقق را مطلقاً مسئول بدانیم نسبت به حمایت از او و حقیق اجحاف صورت می‌گیرد. به رسمیت شناختن یک حق با حمایت از آن حق ملازمه دارد و محقق اگر در هر پژوهش با خطر ورود خسارت و جبران آن به صورت مطلق مواجه باشد دیگر میلی به تحقیق نخواهد داشت. این مسئله به تأثیری جزئی بر یک فرد منتهی نخواهد شد و کل جامعه متضرر می‌شود. دور نیست اگر ادعا کنیم که پیشرفت و توسعه یک جامعه در گرو عملیات آموزشی و پژوهشی آن است و عدم حمایت از این مهم، تأثیر مخربی بر روند توسعه آن جامعه می‌گذارد؛ بنابراین فرض مسئولیت مطلق برای محقق راهگشا نخواهد بود.

در فرض دوم، می‌توان نتایج مثبتی را از مسئولیت مطلق دولت انتظار داشت. از یک سو دولت منابع بیشتری برای جبران خسارت در اختیار دارد و از سوی دیگر با الزام به جبران زیان‌های وارد شده به وسیله محقق، دولت برای کاهش احتمال ورود خسارت ناشی از تحقیقات دانشگاهی، رویکردی پیشگیرانه اتخاذ خواهد کرد به این معنا که با تجهیز ابزار و وسایل تحقیقاتی و سرمایه‌گذاری‌های مادی و اعمال نظارت بر روند تحقیق، امکان ورود خسارت زیست‌محیطی را کاهش خواهد داد. این امر هم‌زمان به غنای تحقیقات و جبران آسیب وارد شده به محیط زیست کمک خواهد کرد. در حقوق محیط زیست اصل پیشگیری ناظر بر این مسئله است که پیشگیری از آلودگی همیشه از تلاش برای اعاده وضعیت یک منطقه آلوده شده مقرون به صرفه‌تر و کم‌هزینه‌تر است. امروزه در حقوق محیط زیست نوع

۱۸. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: مجید غمامی، *مسئولیت مدنی دولت نسبت به اعمال کارکنان خود* (تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۶)، ۵۰-۲۱.

جدیدی از مسئولیت مورد توجه است که مسئولیت پیشگیری نامیده می‌شود و هنگامی که خطر وقوع خسارت‌های سنگین وجود دارد، ضروری دانسته می‌شود. این نوع مسئولیت همسو با توجیحات اقتصادی است اما ممکن است دولت انگیزه خود را برای سرمایه‌گذاری در امور تحقیقاتی از دست بدهد چراکه اگر محقق موجب ورود خسارت به محیط زیست شود چه مقصر باشد چه نباشد هزینه جبران خسارت برعهده دولت خواهد بود و خواه‌ناخواه نهادهای عمومی به سمتی خواهند رفت که از هزینه‌هایشان بکاهد و در این راستا از امور پژوهشی از این جهت که احتمالاً برایشان هزینه‌ساز خواهد بود، روی می‌گرداند؛ بنابراین گرچه مسئولیت مطلق دولت از جنبه جبران خسارت زیست‌محیطی مطلوب به نظر می‌رسد اما با کاستن از انگیزه دولت برای توسعه تحقیقات، زمینه مورد نظر برای حمایت از حق بر تحقیق را فراهم نمی‌آورد.

فرض سوم ناظر بر این است که اصل را بر مسئول بودن محقق بگذاریم اما اثبات خلاف آن هم ممکن باشد. بدین معنا که اگر آسیب وارد شده در نتیجه تقصیر یا قصوری از سوی دانشگاه به نمایندگی از دولت باشد امکان مراجعه به این نهاد برای جبران خسارت وجود داشته باشد؛ اما این شیوه جبران خسارت حمایت از محیط زیست و محقق را تأمین نمی‌کند زیرا محقق دسترسی کمتری به منابع مالی برای جبران خسارت نسبت به دولت دارد و خسارتی که به محیط زیست وارد می‌شوند بعضاً به منابع مالی وسیعی برای جبران نیازمندند که از توان یک محقق خارج است و از سوی دیگر شخص محقق باید به دنبال اثبات تقصیر دولت باشد که امر مشکلی است و نیاز به صرف وقت و هزینه دارد و اقتضای شناسایی حق بر تحقیق حمایت از این حق است که با این رویکرد سازگار نیست.

اما در فرض چهارم با این رویکرد که اصل بر مسئولیت دولت باشد و بتوان خلاف آن را اثبات کرد و محقق را مسئول شناخت می‌توان نتایج بهتری به دست آورد. همان‌طور که گفته شد دولت منابع بیشتری برای جبران خسارت در اختیار دارد و اطمینان بیشتری به جبران خسارت زیست‌محیطی از سوی دولت وجود دارد تا از سوی محقق. این فرض باعث می‌شود که در عین حال که دولت رویکرد پیشگیرانه اتخاذ می‌نماید، محقق نیز با اطمینان بیشتری به انجام پژوهش می‌پردازد و از آنجا که امکان اثبات تقصیر و به تبع آن مسئولیت او وجود دارد از بی‌احتیاطی او جلوگیری می‌شود. نیک پیداست که با این رویکرد هم از محیط زیست و هم از محقق حمایت می‌شود اما باید در نظر داشت که اثبات مسئولیت محقق در این فرض در خلال دادرسی منصفانه صورت گیرد چراکه در غیر این صورت دولت می‌تواند از وابستگی

محقق به خود سوءاستفاده کند و با ادعای تقصیر محقق از او هزینه جبران خسارت دریافت کند.

این رویکرد با مبانی مسئولیت بین‌المللی دولت در حقوق بین‌الملل نیز هم‌خوانی دارد زیرا اصل کلی قابل اعمال در حقوق بین‌الملل این است که دولت مسئول اعمال اشخاص خصوصی نیست چراکه نمی‌توان آن اعمال را به وی نسبت داد.^{۱۹} با این حال اگر اشخاص خصوصی نمایندگی از سوی دولت داشته و در سمت نماینده دولت اقدام نموده باشند، عمل آنها قابل انتساب به دولت است. این مفهوم از بند ۲ ماده ۷ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت مستفاد می‌شود. این بند مقرر می‌دارد:

«اقدام اجزای تابعه یک واحد که جز تشکیلات رسمی یا واحدهای تابعه داخلی نیستند لیکن به موجب قوانین داخلی صلاحیت اعمال بخشی از اختیارات دولتی را دارند طبق مقررات حقوق بین‌الملل به عنوان عمل دولت شناخته می‌شود، مشروط بر آنکه در مسئله مطروحه در سمت خود اقدام کرده باشند.»

در این مورد دولت دارای دو وظیفه اساسی است که عبارتند از پیش‌بینی و پیشگیری از اعمال خلاف حقوق و تعقیب و مجازات مرتکب.^{۲۰}

در درجه نخست هر دولتی موظف است تا آنجا که ممکن است در قلمرو حاکمیت خود تدابیر لازم را برای پیش‌بینی حوادث و مخاطرات معمول نماید، از وقوع آنها جلوگیری کند و کسانی را که در معرض تهدید و خطر واقع می‌شوند، مورد حمایت و حفاظت قرار دهد. چنانچه دولت در پیش‌بینی و جلوگیری از اعمال خلاف اشخاص خصوصی مراقبت لازم را به عمل نیاورد و بر اثر آن زبانی وارد آید، مسئولیت بین‌المللی متوجه او می‌شود.^{۲۱}

با تعمیم اصول حاکم بر مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها می‌توان مسئولیت در قبال خسارات زیست‌محیطی را در دو عرصه ملی و بین‌المللی بررسی کرد.

بنابراین تعارض حق بر محیط زیست و حق بر تحقیق را که ناشی از ورود خسارت به محیط زیست هنگام انجام تحقیقات دانشگاهی است، با اصل مسئولیت دولت و امکان اثبات خلاف آن در جهت مسئول دانستن محقق می‌توان حل کرد.

19. ed. Sir Robert Jennings and Sir Arthur, *Oppenheim, International Law* (London: Longman, 1992), Ninth Ed, Vol. 1, 548.

۲۰. محمدرضا ضیایی بیگدلی، *حقوق بین‌الملل عمومی* (تهران: گنج دانش، ۱۳۸۲)، ۴۱۹.

21. F. Amerasinghe, *State Responsibility for Injuries to Aliens* (Oxford: Clarendon, 1967), 49.

۳- حقوق ایران

حق بر تحقیق و حق بر محیط زیست در قانون اساسی ما به روشنی ذکر شده‌اند. حق بر محیط زیست در اصل پنجاهم قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است. شیوه نگارش این اصل با خردی هرچه تمام‌تر رویکردی محیط‌مدارانه در حمایت از محیط زیست برگزیده است و ضمن آنکه محیط زیست را حق نسل امروز و نسل‌های بعد دانسته، حفاظت از آن را وظیفه‌ای عمومی تلقی کرده و فعالیت‌هایی را که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند ممنوع دانسته است. این اصل صرف آلودگی یا تخریب محیط زیست را بدون توجه به تأثیر آن بر اموال انسان غیرقانونی دانسته است. این اصل صریح‌ترین حکم قانون‌گذار در زمینه حفاظت از محیط زیست است. بیانگر این مهم است که مسائل زیست‌محیطی یک امر کاملاً فرابخشی بوده و می‌بایست کلیه آحاد جامعه علی‌الخصوص سازمان‌ها و دستگاه‌ها هر یک به فراخور توان و کارایی تشکیلات خود در حفظ و نگهداری از محیط زیست به عنوان یک وظیفه عمومی از هر فعالیتی که با آلودگی و یا تخریب غیرقابل جبران محیط زیست همراه باشد، خودداری کنند. قوانین متعددی در حمایت از محیط تصویب شده‌اند که بسیاری از آنها رویکرد کیفی به مسئله دارند تا حمایتی هرچه بیشتر از محیط فراهم شود. قوانینی مانند قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴، قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ (با اصلاحات ۱۳۷۱)، آیین‌نامه جلوگیری از آلودگی آب مصوب ۱۳۷۳.

حق بر تحقیق نیز در اصل سوم قانون اساسی مورد اشاره قرار گرفته است. بند ۴ این اصل قانون اساسی دولت را مکلف نموده است تا تمام امکاناتش را برای رسیدن به اهداف مذکور در اصل دوم در امر «تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان» به کار گیرد. این اصل به وضوح تکلیفی بر دوش دولت می‌گذارد مبنی بر اینکه «تمام امکاناتش» را در خدمت توسعه تحقیق در کشور به کار گیرد. قبلاً گفته شد که یکی از این امکانات می‌تواند تسهیلاتی مالی باشد که برای جبران چنین خسارت‌هایی به کار گرفته شود. قانون اساسی بستر لازم برای این مسئله را فراهم می‌آورد اما قانونی که چگونگی اجرای این اصل و به خصوص اجرای آن به نحوی که مورد نظر ماست را فراهم آورد به سختی یافت می‌شود. شاید بتوان اساسنامه صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۸

شورای عالی انقلاب فرهنگی را نمونه‌ای دانست. ماده ۲ این اساسنامه در راستای تبیین هدف این صندوق اعلام می‌دارد:

«هدف از تأسیس صندوق، شکوفایی امور تحقیقاتی در راستای تولید علم، فناوری و تجاری‌سازی و بهره‌مند شدن مردم از نتایج آنها، از طریق ارائه کمک‌ها و خدمات حمایتی و مادی و معنوی به پژوهشگران و فناوران حوزوی و دانشگاهی ایرانی اعم از حقیقی و حقوقی می‌باشد.»

اولین ایرادی که به نظر می‌رسد، منحصر نمودن حمایت به پژوهشگران و فناوران حوزه و دانشگاه است و محققان مستقل مشمول حمایت این صندوق نمی‌شوند. از آنجا که موضوع پژوهش حاضر تحقیقات دانشگاهی است این ایراد بی‌تأثیر خواهد بود اما جای تأمل دارد. تبصره ۱ همین ماده در توضیح حمایت مادی می‌گوید:

«حمایت مادی عبارت است از تأمین اعتبار و تسهیل مراحل و سازوکار تخصیص بودجه به محققان و فناوران در خصوص طرح‌ها و برنامه‌های ارائه شده و مصوب صندوق.»

معنایی که از این تبصره دریافت می‌شود این است که حمایت مادی به تأمین اعتبار برای انجام طرح منحصر است و زبان‌های بعدی وارده را نمی‌توان با این اعتبار جبران کرد.

اما قانون دیگری که می‌توان نام برد قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و تجاری‌سازی اختراعات و نوآوری‌ها^{۲۲} است. این قانون همان‌طور که از نامش پیداست از شرکت‌ها و مؤسسات تحقیقاتی حمایت می‌کند و اگر محققى بخواهد از مزایای این قانون استفاده کند باید تحت پوشش این مؤسسات قرار گیرد. حمایتی که مدنظر این مقاله است یعنی تسهیلاتی برای جبران خسارات زیست‌محیطی مستقیماً در این قانون ذکر نشده است اما در بند (ه) ماده سوم این قانون در توضیح حمایت‌ها و تسهیلات اعطایی به شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان می‌خوانیم:

«ایجاد پوشش بیمه‌ای مناسب برای کاهش خطرپذیری محصولات و دستاوردهای دانش، نوآوری و فناوری در تمام مراحل تولید، عرضه و به کارگیری.»

می‌توان با نگاهی دور از منظور قانون‌گذار، این پوشش بیمه‌ای را به خطراتی که فرایند انجام تحقیق به وجود می‌آورد تسری داد و از این جهت خساراتی که انجام تحقیق به وجود می‌آورد و از آن جمله خسارات زیست‌محیطی را تحت پوشش بیمه قرار داد. به هر روی به

نظر نمی‌رسد که قانون‌گذار چنین مقصودی داشته باشد و با توجه به قوانین فعلی ایران گرچه زمینه چنین حمایتی را می‌توان مشاهده کرد اما تصریحی در این باره وجود ندارد.

بنابراین برای پیدا کردن راه‌حلی برای حل تعارض حق بر تحقیق و حق بر محیط زیست در حقوق ایران باید به قواعد سنتی مسئولیت مدنی مراجعه کرد. می‌دانیم که در حقوق ایران مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر است و از طرفی به سختی می‌توان با قوانین موجود ضرر زیست‌محیطی صرف را قابل مطالبه دانست. اگر محقق تقصیری مرتکب شده باشد با توجه ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، خود باید خسارت واردآمده را جبران کند. همین ماده زمینه‌ای را فراهم می‌کند تا در صورت احراز شرایط خاصی بتوان دولت را مسئول دانست:

«کارمندان دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمدتاً یا در نتیجه بی‌احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد نمایند شخصاً مسئول جبران خسارت وارده می‌باشند ولی هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و یا مؤسسات مزبور باشد در این صورت جبران خسارت برعهده اداره یا مؤسسه مربوطه است ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت هرگاه اقداماتی که برحسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود دولت مجبور به پرداخت خسارات نخواهد بود.»

این ماده مطابق با فرضی است که اصل بر مسئولیت محقق و اثبات خلاف آن یعنی مسئولیت دولت امکان‌پذیر باشد. در ماده بعدی همین قانون می‌خوانیم:

«کارفرمایانی که مشمول قانون کار هستند مسئول جبران خساراتی می‌باشند که از طرف کارکنان اداری و یا کارگران آنان در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارد شده است مگر اینکه محرز شود تمام احتیاط‌هایی را که اوضاع و احوال قضیه ایجاب می‌نموده به عمل آورده و یا اینکه اگر احتیاط‌های مزبور را به عمل می‌آوردند باز هم جلوگیری از ورود زیان مقدور نمی‌بود. کارفرما می‌تواند به واردکننده خسارت در صورتی که مطابق قانون مسئول شناخته شود، مراجعه نماید.»

این ماده قابل قیاس با بحث ماست از این منظر که اصل را بر مسئولیت کارفرما که می‌تواند دولت را نیز دربرگیرد گذاشته و امکان اثبات خلاف این را به معنای مسئولیت کارگر در نظر گرفته است. قانون‌گذار می‌تواند همین رویکرد را نسبت به محققین اتخاذ کند تا حمایتی که از کارگران صورت می‌گیرد برای محققان هم قابل تصور باشد.

نتیجه

انسان باید دائماً در حال کسب تجربه باشد و در مسیر اکتشاف، اختراع و پیشرفت فعالیت کند. در عصر ما قدرت انسان برای دگرگون‌سازی اطرافش، اگر عاقلانه به کار رود، می‌تواند برای همه مردم منافع توسعه و فرصت بهبود زندگی را به ارمغان آورد و اگر به اشتباه و یا با بی‌توجهی به کار گرفته شود همان قدرت می‌تواند صدمات بی‌شماری به افراد بشر و محیط زیست انسانی وارد سازد. در بحث از مبانی حقوق بشری حق بر تحقیق و حق بر محیط زیست مبنای مستحکم این دو حق و لزوم حمایت از آنها مورد مطالعه قرار گرفت و دیدیم که چگونه این دو حق می‌توانند در تعارض با یکدیگر قرار گیرند. در پی این تعارض باید تلاش شود تا در صورت ورود خسارت به محیط زیست به هنگام انجام عملیات تحقیقاتی، بهترین شیوه جبران خسارت انجام شود. با نظر به مبانی حقوق بشری و نیز تحلیلی اقتصادی دیدیم که محقق باید دارای امنیت خاطر برای انجام تحقیقاتش باشد و برای محیط زیست هم باید مطمئن‌ترین جبران‌کننده خسارت در نظر گرفته شود. پس با استفاده از رابطه استخدامی محقق و وابستگی سازمانی او (به واسطه دانشگاه) جبران خسارت را می‌توان برعهده دولت گذاشت؛ اما مسئولیت مطلق دولت نیز نتایج سوئی به دنبال خواهد داشت. امنیت خاطر بیش از حد، محقق را در انجام تحقیقاتش بی‌احتیاط می‌کند و امکان ورود خسارت را بالا می‌برد. از طرف دیگر دولت که خود را در هر حال مکلف به جبران خسارت می‌بیند انگیزه‌اش را برای توسعه پژوهش از دست می‌دهد و این شیوه، تعادل حمایت از هر دو حق را از بین می‌برد چراکه گرچه خسارت محیط زیست از محل منابع قابل توجه دولت جبران می‌شود اما تحقیق و پژوهش با بی‌مهری مواجه خواهد شد چراکه صرف اقتصادی‌اش را برای دولت از دست می‌دهد؛ بنابراین باید به دنبال روشی بود که ضمن ایجاد امنیت برای محقق، او کاملاً از جبران تقصیراتش معاف نشود تا دولت نیز انگیزه کافی برای سرمایه‌گذاری در بخش تحقیقات را داشته باشد. این شیوه به این ترتیب است که اصل را بر مسئولیت دولت قرار دهیم تا از جبران خسارت زیست‌محیطی مطمئن شویم و امکان اثبات مسئولیت محقق در صورت ارتکاب تقصیر عمدی وجود داشته باشد تا محققان بی‌احتیاط نگردند و دولت به پژوهش بی‌توجه نشود.

در حقوق ایران به مقوله تحقیق و محیط زیست در اسناد داخلی توجه شده و قانون اساسی هر دو این حقوق را به رسمیت شناخته و حمایت از آنها را لازم دانسته است؛ اما درباره مسئولیت محقق باید به قواعد سنتی مسئولیت مدنی تمسک جست که این مسئولیت مبتنی

بر تقصیر است و مقصر مکلف به جبران خسارت می‌باشد. تنها مبنایی که می‌تواند در حقوق ما برای مسئول دانستن دولت مورد استناد قرار گیرد ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی است. این ماده شرایطی را در نظر می‌گیرد تا مسئولیت قابل انتساب به دولت باشد که اول وجود رابطه استخدامی بین محقق و دولت است و دوم عدم تقصیر محقق و انتساب زیان وارد شده به نقص تأسیسات دولتی است. انشای این ماده به صورتی است که عکس نتیجه‌ای را که با توجه به مبانی نظری گرفتیم به دست می‌دهد به این معنا که اصل بر مسئولیت محقق است مگر خلافش اثبات شود. اینکه امکان مسئولیت دولت پیش‌بینی شده جای امیدواری است اما این مسئولیت محدود دولت کافی به نظر نمی‌رسد و قانون‌گذار می‌تواند همان‌طور که در ماده ۱۲ همین قانون در مورد مسئولیت کارگران اصل را بر مسئولیت کارفرما گذاشته در حمایت از محققان هم صراحتاً همین شیوه را پیش‌بینی کند.

از آنجا که نباید خسارات، جبران نشده باقی بماند و این واقعیت که خسارات زیست‌محیطی جبران‌ناپذیر و غیرقابل تخمین‌اند منجر به عدم جبران نمی‌شود و به منظور حمایت از محققین برای آزادی در تحقیق و تعهد دولت‌ها برای ایجاد فضای مناسب برای انجام فعالیت‌های پژوهشی، باید صندوق بیمه و بودجه جبران خسارت در دانشگاه‌ها پیش‌بینی شود.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- اعلامیه استکلهم، درباره محیط زیست و توسعه پایدار، کنفرانس ملل متحد، ۱۹۷۲.
- اعلامیه ریو پیرامون محیط زیست و توسعه، کنفرانس ملل متحد، ۱۹۹۲.
- افتخار جهرمی، گودرز. «حقوق بشر، محیط زیست و توسعه پایدار». *مجله تحقیقات حقوقی* ۵۰ (۱۳۸۸): ۲۴-۷.
- حبیبی، محمدحسن. «حق برخورداری از محیط زیست سالم به عنوان حق بشریت». *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران* ۶۰ (۱۳۸۲): ۱۷۰-۱۳۱.
- حدادی، مهدی. «استناد به مسئولیت دولت ناشی از نقض تعهدات عام‌الشمول». *مجله حقوقی بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری* ۴۲ (۱۳۸۹): ۱۲۴-۸۹.
- شاو، ملکم. *حقوق بین‌الملل محیط زیست*. ترجمه علی مشهدی و حسن خسروشاهی. تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۲.
- طرح مسئولیت بین‌المللی دولت، کمیسیون حقوق بین‌الملل، ۲۰۰۱.
- غمامی، مجید. *مسئولیت مدنی دولت نسبت به اعمال کارکنان خود*. تهران: انتشارات دادگستر، ۱۳۷۶.
- فیروزی، مهدی. *حق بر محیط زیست*. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۴.
- قاسمی شوب، احمدعلی. «مسئولیت بین‌المللی دولت در قبال اعمال اشخاص خصوصی». *مجله دانشکده علوم انسانی دانشگاه امام حسین شماره* ۶۱ (۱۳۸۴): ۹۲-۷۱.
- قاسمی، ناصر. «مبانی تحقق جرایم زیست‌محیطی». *فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری* ۴۰ و ۴۱ (۱۳۸۵-۱۳۸۶): ۵۸-۴۹.
- قوام، میرعظیم. *حمایت کیفری از محیط زیست*. تهران: انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۷۵.
- کاتوزیان، ناصر، و مهدی انصاری. «مسئولیت ناشی از خسارت‌های زیست‌محیطی». *فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران* ۲ (۱۳۸۷): ۳۱۴-۲۸۵.
- گروه صلح کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو دانشگاه شهید بهشتی. *حقوق زیست‌محیطی بشر*. تهران: انتشارات دادگستر، ۱۳۸۹.
- مرادی‌نوده، سیرالله. «بهره‌مندی از محیط زیست سالم - حق بنیادین بشر (با تکیه بر حقوق ایران و هند)». *فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی* ۱۰ و ۱۱ (۱۳۸۷): ۲۵۰-۲۳۳.
- مشهدی، علی. *مجموعه اسناد و متون بنیادین حقوق بین‌الملل محیط زیست*. جلد اول. قم: ایران و حقوق بین‌الملل محیط زیست، دانشگاه قم، ۱۳۸۸.
- میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ۱۹۶۶.

(ب) منابع انگلیسی

Appadurai, Arjun. "Right to *Research*." *Globalisation, Societies and Education* 4 (2006): 167-177.

Brown, Mark B., David H Guston. "Science, Democracy and the Right to *Research*." *Science and Engineering Ethics* 15 (2009): 351-366.

C.flournoy, Alyson, and David. M.Driesen. *Beyond Environmental Law, Policy Proposals for a Better Environmental Future*. New York: Cambridge University Press, 2010.

Dommen, Carolin, Philippe Cullet. *Droit International de l'environnement*. London: Kluwer Law International, 1998.

Faure, Michael, and Verheij Albert. *Shifts in Compensation for Environmental Damage Tort and Insurance Law Series*. Volume 21. Vienna/New York :Springer, 2007.

Francisco Orrego Vicuña. "Responsibility and Liability under International Law for Environmental Damage." Eighth Commission. Session of Strasbourg: Institut De Droit International, 1997.

Kralj, Larisa. "State Responsibility and the Environment." LL.M. Paper for the Masters of Law in the European Law, Gent: University of Ghent, 2010.

Researcher's Liability in term of Damages to Environment Associated with Scientific Investigations

Kosar Firouzpour

Ph.D. Candidate at University of Tehran, Tehran, Iran
Email: kosar.f1990@gmail.com

Right to environment and right to research are both belong to human rights, which must be preserved. The individual's right to enjoy a healthy environment is a part of the human rights which it has been increasingly threatened with human activities. This right is not only a part of outstanding proofs for solidarity right, but it's also a requisite for certainty of many human rights. Obtaining this right requires a level of development which may cause more damages to environment itself. Therefore, researcher's activities in course of progression and development might be prejudicial to environment. This article discusses the condition in which the researcher causes damage to environment while conducting scientific investigations and the necessity of compensation is in contradiction with the researcher's right to scientific investigations. Thus, the article suggests a compensation policy which preserves both rights simultaneously. According to principle 21 of Stockholm Declaration of Human Environment and the principle 2 of Rio Declaration on Environment and Development, the activities under government's jurisdiction are obligated not to damage environment. Therefore, the government has key role to serve for solving the [discussed] contradiction, improving scientific investigations in a way they cause less damages [to environment] and preventing environmental damages.

The current study aims to investigate the fundamentals of human right to environment and human right to research for solving this contradiction and to investigate the related legal approaches in Iran towards this subject.

Keywords: Right to Environment, Right to Research, Civil Responsibilities, Iran Laws.

Journal of LEGAL RESEARCH

VOL. XVII, No. 3

2018-3

- **Development of Human Rights Generations in Decisions of the International Court of Justice**
Hossein Yazdani - Dr. Hossein Al-e-Kajbaf - Dr. Seyed Ghasem Zamani - Dr. Hassan Savari
- **Transfer of Ownership and Lease of Space Objects in Orbit in the Light of International Space Law**
Hosna Khalvandi - Dr. Seyed Hadi Mahmoudi
- **Relation between the Right to Food and Agricultural World Trade Policy: Cooperation or Confrontation?**
Dr. Farhad Talaie - Ali Razmkhah
- **A Legal-Economic Analysis of Article 21 of the Law Amending the Compulsory Insurance Act: Civil Liability of Motor Vehicle Owners**
Dr. Faysal Ameri - Moslem Haj Mohammadi
- **Transformation of the Meaning of the Theory of Separation of Powers to the Functional Concept**
Dr. Mohammad Reza Vjeh - Zohreh Sadat Amiraftebi
- **Equality and Non-Discrimination in Human Rights System**
Ali Saalari
- **Third-party Protest in Bankruptcy Order from a Judicial Perspective**
Dr. Nematolah Hajali - Abouzar Kohnavard
- **Targeted Killing: Violation of Non-Reciprocity in Fundamental Obligations of Humanitarian Law and Human Rights**
Dr. Haleh Hosseini Akbarnezhad - Dr. Hoorieh Hosseini Akbarnezhad
- **Researcher's Liability in term of Damages to Environment Associated with Scientific Investigations**
Kosar Firouzpour
- **The Methods for Breaking Negotiating Impasses and Solving Petroleum Conflicts**
Dr. Mohamad Alikhani
- **The Influence of Islamic Jurisprudence in the Formation of Common-Law**
Author: Borham Mohammad Ataollah - Translator: Hamzeh Amininasab



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study